

# عصمت و استغفار؛ تعاند، تلائم یا تلازم

مهناز دهقانی<sup>۱</sup>

## چکیده:

عصمت پیامبران و امامان از مسائل بسیار مهم در قلمرو عقاید دینی است و بخش حجیمی از ادبیات دینی و معارف اسلامی را به خود اختصاص داده است. در عین حال در دعاها و مناجات‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) به فرازهایی برمی‌خوریم که ایشان به خود نسبت گناه داده. از پیشگاه ربوی خواستار آموزش شده‌اند. منکران عصمت این مسئله را دلیلی بر نفسی عصمت امامان قلمداد کرده‌اند. در این مقاله برآنیم تا نسبت این رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان را با عصمت بازکاوییم و روشن سازیم که با معنا کاوی توبه و استغفار و بررسی وجوه مختلف برای توبه و استغفار هیچ زمینه‌ای برای منافی انگاری عصمت و استغفار نیست و بین آنها سازگاری نیست و بین آنها سازگاری کامل برقرار است. افزون بر آن می‌توان وجوهی از توبه و استغفار را در نظر گرفت که نه تنها تلائم بلکه بر تلازم عصمت و استغفار دلالت دارد.

**کلید واژه‌ها:** عصمت، توبه، استغفار، تلائم، تعاند، تلازم، دفع.

---

<sup>۱</sup> حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز - طلبه سال سوم. mahnazdgh@gmail.com.

## مقدمه:

یکی از مسائل مهم در قلمرو عقاید دینی، عصمت پیامبران و امامان است متکلمان از دیر زمان درباره‌ی این مسئله و گستره و مراتب آن بحث‌های پر دامنه‌ی را رقم زده و بر لزوم عصمت آنان از گناه و خطا استدلال کرده‌اند. اما دعاها و مناجات‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) آکنده از اقرار و اعتراف به گناه و توبه و استغفار آن است. منکران عصمت این مسئله را دلیلی بر نهی عصمت انگاشته‌اند. پیش فرض بنیادین این انکار، تنافی انگاری بین عصمت و توبه و استغفار است. پاسخ‌هایی به این اشکال جسته گریخته در لابه لای متون به چشم می‌خورد. در عین حال بررسی جامع و چند بعدی این مسئله، یافتن پاسخ‌های جدید و باز تبیین پاسخ‌های پیشین در غنای این بحث می‌افزاید و نتیجه‌ی پر بارتری را فراروی چالش‌های نو پدید قرار می‌دهد. در این مقاله برآنیم تا به یاری خداوند و با روش توصیفی تحلیلی و با شیوه‌ی کتابخانه‌ای از چند جهت، نسبت رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) را با عصمت بازکاویم و روشن سازیم که توبه و استغفار نافی عصمت نیستند. سویه‌هایی که این مقاله از آن بهره می‌گیرد عبارتند از: ۱- بازشناسی معنای توبه، استغفار، مراتب گناه و ... ۲- معنا کاوی آنچه پیشوایان اسلام در دعاها به خود نسبت داده‌اند از طریق شخصیت سنجی آنها. ۳- بررسی وجوه گوناگون سازگاری توبه، استغفار و عصمت و نیز به وجوهی از توبه و استغفار اشاره کنیم که نه تنها بر سازگاری، بلکه به تلازم عصمت و استغفار دلالت دارند.

## مفهوم شناسی

### عصمت

«عصمت» در لغت از ماده‌ی «عصم» به معنای منع کردن، باز داشتن یا محافظت کردن آمده است. «عصم اصل واحد صحیح یدل علی امساک وضع و ملازمه»<sup>۱</sup> کاربردهای این واژه اغلب دلالت بر محافظت و ممانعت از شر و امور ناپسند و ناگوار را دارند. برخی نیز عصمت را به معنای وسیله‌ی بازداشتن و ابراز مصونیت گرفته‌اند. برخی از مفسران آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۲</sup> «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.» را به همین معنا تفسیر کرده‌اند. یعنی ریسمان الهی را «عصمت» خویش قرار دهید. در تعریف اصطلاحی عصمت نیز آمده است: «عصمت لطفی از ناحیه‌ی پروردگار است که هر که را شامل شود از خطا باز می‌دارد اما نه صورت جبری زیرا اگر جبری باشد برای معصوم پاداشی در برنخواهد داشت.»

فیلسوفان مشهور و برخی متکلمان گفته‌اند: «عصمت ملکه‌ای نفسانی (یعنی صفتی راسخ و پایدار) است که انسان را از ارتکاب گناه بازمی‌دارد. هر چند قدرت انجام آن را از او سلب نمی‌کند. بر این اساس عصمت مستند به اختیار آدمی است اما به امداد الهی نیاز دارد و بدون آن تحقق پذیر نیست.»

### توبه

توبه در لغت به معنای بازگشت، توجه و التفات است. در بن مایه‌ی این واژه بازگشت از گناه نهفته نیست بلکه واژه‌ی مزبور هر گونه بازگشت و توجه به خدا را که همراه با اعتراف به ناتوانی خود از به جای آوردن حق بندگی است در برمی‌گیرد. بنابراین توبه به لحاظ معنایی دلالت بر گناهکار بودن فاعل ندارد.

### استغفار

استغفار از ماده‌ی «غفر» مشتق شده است. غفر در لغت به معنای پرده‌افکنی روی چیزی و پوشاندن و پنهان کردن است. در التحقیق به نقل از التهذیب آمده است: «اصل معنای غفر، پوشاندن و پرده انداختن است.» کلاه را نیز مغفور گفته‌اند. زیرا سر را می‌پوشاند و محافظت

<sup>۱</sup>. ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۳۱.

<sup>۲</sup>. آل عمران: ۱۰۳.

می‌کند. بنابراین غفر در اصل به معنای بخشیدن و آمرزیدن و امثال آنها نیست و اگر در این معانی به کار می‌رود از باب مجاز و استعاره است. این معنا شواهدی نیز در قرآن دارد. برای نمونه خداوند می‌فرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»<sup>۱</sup> «ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی» در این آیه علت پیروز گرداندن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایجاد نوعی پوشش برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قلمداد شده است. زیرا پیروزی یاد شده می‌توانست سبب دفع شر کافران و تامین امنیت پیامبر شود.

## راز استغفار معصومان

پیش از بررسی حکم و علل استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) دو نکته در خور توجه است:

الف: مسئله عصمت از راه ادله‌ی قطعی اثبات شده است. بنابراین نه در پی اثبات عصمت، بلکه به دنبال بازکاوی نسبت آن؛ توبه و استغفارهای صادره از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) هستیم و می‌خواهیم بدانیم که آیا انتساب گناه به خود از سوی آن ذات مقدس و توبه و استغفار آنان نافی عصمت است یا به آن سازگاری و بلکه تلازم دارد.

ب: بی‌شک شخصیت‌شناسی و رفتار‌شناسی آن بزرگواران مسدود کننده هر گونه راه حمل (به معنای ظاهری و عرفی) خطاها، عیوب و نواقصی است که ایشان در دعاها و مناجات‌ها به خود نسبت داده‌اند. به عبارت دیگر اگر ادله‌ی قاطع عصمت نیز در میان نبودند این سخنان از آن اولیای بزرگ الهی هرگز همانند سخنان افراد عادی فهمیدنی نیست. و با آنچه از شخصیت و رفتار مشهود همگانی و مورد اعتراف دوست و دشمن است تعارض آشکار دارد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «انت جواد و انا البخیل. انت الغافر و انا المیسی»<sup>۲</sup>

در دعای صباح آمده است:

«إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ، وَ نَفْسِي مَعْيُوبٌ، وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ، وَ هَوَائِي غَالِبٌ، وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ، وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ، وَ لِسَانِي مُفْرَقٌ بِالذُّنُوبِ، فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ، وَ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ، وَ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ، اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۱. فتح: ۱-۲.

۲. کفعمی، المصباح منیر، ص ۲۸۶.

امام سجاد به پیشگاه خدا عرض می‌کند:

«خدا یا به تو شکایت می‌کنم از نفسی که مرا بسیار به بدی‌ها وامی‌دارد و به هر خطا سبقت می‌گیرد و به معصیت تو حرص می‌ورزد و مرا در معرض خشم و غضب تو می‌افکند... ای آقای من! تو را می‌خوانم به زبانی که از بسیاری گناه گنگ شده است. پروردگارا! با تو راز و نیاز می‌کنم با دلی که از فراوانی جرم و خطا به وادی هلاکت درافتاده است... ای مولای من! آنگاه که به گناهان خود می‌نگرم سخت بیمناک می‌شوم. پروردگارا گناهان بیشمار بر من چیره شده و زبان مرا از عرض معذرت بسته است. دیگر عذری ندارم که به پیشگاه تو آوردم و بهانه‌ای برایم نمانده که آن را بازگویم و از کرده‌ی خود پوزش طلبم.»

آنچه گفته آمد و صدها نمونه‌ی مشابه و شدیدتر در کار بست متعارف هیچ تناسبی با شخصیت این عزیزان ندارند و از معنایی ژرف‌تر حکایت می‌کنند. پس این توبه‌ها و استغفارها چگونه توجیه پذیرند؟

## ۱- عبادت ذاتی

استغفار از مصداق بارز بزرگداشت خدا، زیباترین جلوه‌ی خضوع و خشوع، اظهار تذلل و خواری و اعتراف به قصور و تقصیر بنده‌ای بی‌نهایت کوچک در برابر، آفریدگاری بی‌نهایت بزرگ است. استغفار دائمی از نشانه‌های ایمان و تقوا، شرط بندگی، گشاینده‌ی درهای رحمت الهی و یکی از بهترین موجبات تقرب و وصال معبود است. در نگاه قرآن توبه و استغفار از عبادات بزرگ به شمار می‌آیند. برخی از آیات قرآن در این باره بدین شرح‌اند:

الف: قرآن در فراخوانی فراگیر همه‌ی مومنان را به توبه دعوت کرده است. «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> «ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.»

ب: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»<sup>۲</sup> «خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد.» رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «بهترین دعاها استغفار است.»<sup>۳</sup> امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «استغفار گفتن لا اله الا الله بهترین عبادت است.»<sup>۴</sup>

۱. نور: ۳۱.

۲. بقره: ۲۲۲.

۳. نوری، آداب راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز، ج ۱، ص ۳۶۱.

۴. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۳۸۰.

از آنچه گذشت روشن می‌شود که در نگاه قرآن استغفار عبادتی است که همه‌ی مومنان به آن دعوت شده‌اند. از این رو شایسته است که اولیای الهی، پیش، بیش و بهتر از همه دعوت الهی را لبیک گویند و در همه‌ی حالات خود بر توبه و استغفار مداومت ورزند تا به این وسیله به فیض تقرب هر چه بیشتر در درگاه الهی دست یابند. بنابراین توبه خود عبادتی مستقل و اطاعت از فرمان و فراخوان الهی و وسیله‌ی ارتقاء و تقرب به درگاه ربوی است.

## ۲- توبه از توسل به اسباب

همانگونه که برای گناه مراتبی است برای توبه نیز مراتب و درجاتی است. متناسب عاملان آن. هر کس به تناسب گناه خویش استغفار می‌کند. یعنی همان عملی که برای گروهی (مقامات پایین) گناهی به شمار نمی‌آید برای گروهی دیگر گناه قلمداد می‌شود. استغفار گناهکاران از گناه و توبه‌ی اهل سلوک از پرداختن به غیر خدا و توجه به غیر ذات حق تعالی است. توبه و استغفار اولیای الهی مرتبه‌ای بالاتر از اینها دارد. توبه‌ی آنان گناه از این است که بودن فرمان یا اذن ویژه‌ای خدا توجه به وسایط فیض داشته باشند. حضرت یوسف (علیه السلام) وقتی بدون فرمان خدا، کسی را واسطه قرار دارد تا بی‌گناهی خود را به گوش حاکم مصر برساند، خود را گناهکار محسوب داشت و با تضرع دست به توبه برداشت. چرا که این کار با شان حضرت یوسف و توحید ناب افعالی ناسازگار بود.

## ۳- استغفار از اشتغال به مباحات

صاحب کتاب کشف اللغه می‌نویسد: «دل‌های انبیاء و ائمه سرشار از یاد خدا بود و ایشان متوجه بارگاه ربوی بوده‌اند. اما اگر از این مرتبه عالی و رفیع به سبب اشتغال به خوردن، آشامیدن، روابط زناشویی باطل و فصل مسائل اجتماعی و دیگر مباحات تنزل می‌کردند. آن رفتار را برای خویش گناه می‌شمردند و از آن استغفار می‌کردند. از این روست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «حسنات الابرار سیئات المقربین»<sup>۱</sup>

## ۴- توبه از قصور ذاتی

ایمان، معرفت و عبادت‌های انسان از خود او نیست و آنچه وی از نعمت‌های مادی و معنوی دارد از الطاف خداوند است. «و ما كان لِنفس ان تومن الا باذن الله»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. اربلی، کشف اللغه، ج ۳، ص ۶۳-۶۴.

<sup>۲</sup>. یوسف: ۱۰۰.

در نگاه توحیدی منشا همه‌ی خوبی‌ها خداوند است: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»<sup>۱</sup> «هر چه از خوبیها به تو می‌رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می‌رسد.» خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: «مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ»<sup>۲</sup> «و نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان.» پس معصوم هر آنچه که دارد از سوی خدا است و به خودی خود چیزی ندارد.

راه دستیابی به کمال نیز همان است که انسان به نواقص پی ببرد و نیاز خود را به خداوند دریابد. پس آنگاه که به قدرت لایزال الهی و نادانی و ناتوانی خویش ادعان کند، خداوند به او توان می‌بخشد و دانایی بیشتری به او عطا می‌کند. معصوم (علیهم السلام) هنگامی که مشاهده می‌کند از خود چیزی ندارد و هر چه دارد از خدا است و همه‌ی وجود خویش را نیاز می‌بیند، زبان به استغفار می‌گشاید.<sup>۳</sup>

## ۵- توبه از نقصان ذاتی عمل

عبادت هر کس به اندازه‌ای معرفت او است اکتناه ذات خداوند جز برای خداوند مقدور نیست: «لَا يَدْرُكُهُ بُعْدُ اللَّهِ وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ»<sup>۴</sup> بنابراین امامان معصوم با شناختی که از حق تعالی دارند درک می‌کنند که حق بندگی او برای احدی مقدور نیست. از این رو آنان وقتی به اعمال خویش می‌نگرند با همه خوبی‌های آن اعمال آنها را در برابر عظمت بی‌نهایت الهی و حق ربوبیت و الوهیت او بسیار ناچیز و مایه‌ی سرافکندگی و شرمندگی می‌بینند. به فرموده‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یک عبادت امام علی (علیه السلام) در نبرد خندق، به تنهایی برتر از عبادت ثقلین است. اما احساس امام علی (علیه السلام) در پیشگاه خداوند، با همین عبادتی که همه خلایق در حسرت آن‌اند چگونه است؟ او همه‌ی اعمال و عبادات خود را در برابر عظمت و جمال و جلال مطلق الهی چنان کوچک و ناچیز می‌بیند که از شرم سر به زیر می‌افکند و جز اعتراف به قصور و تقصیر چاره‌ای نمی‌بیند تازه آنچه بوده هم به لطف و عنایت او و همه از او بوده است.

۱. نساء: ۷۹.

۲. شوری: ۵۲.

۳. مصباح، نجوای عاشقانه با مناجات شعبانیه، صص ۷۱-۷۲.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، خ ۱.

این یکی از عالی‌ترین مراتب عبودیت مطلقه و فنای فی الله است و تنها از کسی برمی‌آید که به ژرفای توحید و خدانشناسی و عرفانی عمیق دست یافته است. چنین کسی مقام معبود را می‌نگرد که در برابرش همه چیز رنگ می‌بازد و چیزی به شمار نمی‌آید.

## ۶- استغفار از قصور در مراتب پیشین

چنان که گذشت عبادت هیچ کس شایسته‌ی خداوند نیست، بلکه هر کس به اندازه‌ی امکانات معرفتی خویش در این مسیر می‌کوشد. با این حال اگر چه انسانها در ترک عبودیت بیش از معرفت خویش معذورند، معصومان همیشه مضطرب‌اند که مبادا در همان بخش معذور نیز کوتاهی کنند. لذا هر چه از لحاظ معرفتی در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرند از قصوری که چه بسا در مرتبه پیشین و مراحل فروتر رخ داده باشد، استغفار می‌کنند و با توجه به اینکه معرفت الهی نامتناهی است و از سویی هر لحظه معرفت آنان نسبت به خدا افزایش می‌یابد لذا استغفار آنان نیز دائمی است. برخی نیز احتمال می‌دهند که چون معصومان پیوسته در ترقی به مراتب قرب و معرفت و یقین بوده‌اند و شاید این حرکت قربی و حبی در روز هفتاد مرحله و درجه و یا بیشتر بوده است. وقتی به درجه‌ای می‌رسیدند از درجه گذشته استغفار می‌کردند. گر چه آن درجات پیشین نیز بالاتر از متمنیات بزرگ‌ترین عارفان دیگر بوده است. براسای این احتمال نه تنها ترس از قصور عملی بلکه صرف قصور رتبی نیز از عوامل موثر در استغفار معصومان است.

## ۷- استغفار از رویت نور حق در حجاب خلق

در حدیث نبوی آمده است: «گاه ابر غبار گونه‌ای بر دلم می‌نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می‌خواهم.»<sup>۱</sup> امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «ان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) کان یقوم من مجلس و ان خفّ حتی یستغفر الله عزوجل خمسا و عشرين مره»<sup>۲</sup> «رسول خدا هیچگاه از مجلسی - هر چند کوتاه - برنمی‌خواست مگر اینکه بیست و پنج بار استغفار می‌کرد.» ایشان همچنین می‌فرماید: «همانا رسول خدا هر روز هفتاد بار توبه می‌کرد بدون هیچ گناهی»<sup>۳</sup> اکنون این پرسش پدید می‌آید که مراد از غبار گونه‌ای که پیامبر را به استغفار دائمی وامی‌دارد چیست؟ غبار این خلفای تام الهی، توجه به کثرت خلقی در مقام وظیفه‌ی تبلیغ دین

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۲۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۵.



است. توضیح اینکه حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) همواره نور وجه حضرت احدیت را بی واسطه مشاهده می کرد اما گاه هنگام نشست و برخاست با مردم و تبلیغ دین خلق یا وجود خود آن حضرت حجاب آن نور می شد و همانگونه که نور خورشید از پشت ابر دیده می شود آن حضرت نیز نور خدا را از پس حجاب خلق و به عبارت دیگر در آینه ی خلق می دیدند. به عبارت دیگر خلق در نگاه اولیای الهی، آینه رب است اما در مواردی این آینه ها کدر و غبارآلود بودند و موجب زنگار دل می شدند. چنان که امثال ابوجهل چنین وضعیتی داشتند. از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر روز هفتاد بار استغفار می کرد تا آن حالت برطرف شود.

## ۸- دفع حجب نوری

استغفار برای اولیای پاکان موجب دفع است و برای غیر آنان موجب رفع. ما استغفار می کنیم تا لغزش هایمان بخشیده و حجابها و آثار نامطلوب گناهانمان زدوده شود. اما اولیای الهی به تناسب درجات جود استغفار می کنند. تا نلغزند و گناه و حجاب دامنه شان را نیالایند. مانند اینکه پارچه ای بر روی آینه ای شفاف انداخته شود تا غباری بر آن ننشیند نه مانند کسی که روی آینه ی غبار گرفته را پارچه اندازد تا غبار آن را بزدايد. آن بزرگان با توبه، استغفار، عبادت و اطاعت، درجات عصمت خویش را شدت و برتری می بخشند. از این رو استغفار و توبه، در بالا رفتن درجات و پایدگی عصمت آنان دخالت دارد.

آیت الله جوادی آملی در توضیح حدیث شریف «إِنَّهُ لِيُغَانِ عَلَيَّ قَلْبِي.....» می گوید:

«آنجا که پیامبر می فرماید من در روز هفتاد بار استغفار می کنم در واقع این استغفاری است که مانع از حصول حجاب است نه اینکه حجابهای پدید آمده را کنار بزند. چرا که توجه به فرشتگان یا توجه به وحی و نبوت نیز گونه ای حجاب است و خداوند چیزی جز شهود را نمی پذیرد. حجابی که به گونه ای معمول هدف استغفار است اعم از حجابهای ظلمانی و نورانی است. ولی شان انبیاء و ائمه از حجابهای ظلمانی منزّه است و حجابهای ظلمانی اساساً برای آنان مطرح نیست. تا دفع آن مورد نظر باشد. بنابراین اولاً هدف از استغفار معصومان دفع حجب است نه رفع آن. ثانیاً، دفع هم تنها در گستره ی حجب نوری است نه حجابهای ظلمانی.»

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۲۰.

## ۹- استغفار شاکرانه

یکی از گونه‌های استغفار این است که شخص جهت شکر نعمت حق تعالی و اجلال و اعظام او، زبان به عذر تقصیر بگشاید. در مناقب آمده است:

«پیامبر چنان گریه می‌کرد که غشوه بر او عارض می‌شد. به آن حضرت گفتند: مگر نه این است که خداوند همه گناهان پیشین و پسین تو را آمرزید؟ فرمود: پس آیا نباید من هم بنده‌ی سپاسگذاری باشم؟ وصی آن حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیز وضع و حالی همینگونه داشت.»<sup>۱</sup>

## ۱۰- استغفار از واردات نفسانی

احتمال دیگر در باب استغفار معصومان این است که علتش واردات نفسانی از قبیل ملال و حدیث نفس باشد. که عارض دل‌های صاف می‌شود و آن را مشوش می‌سازد. لاجرم آن بزرگواران که کوچکترین زنگار را بر نمی‌تابد از این گونه امور همچین گناهی بزرگ به درگاه خداوند پناه می‌برند و از طلب مغفرت می‌کنند، تا با عنایات حضرتش از هر غبار و زنگاری پیراسته باشند.

## ۱۱- آموزش و تربیت

یکی از وجوه و حکمت‌های استغفار در کلام ائمه جنبه‌ی آموزشی آن است. توبه، استغفار و استغاثه‌ی دائمی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) در پیشگاه خدا، بالاترین نقش عملی را در تربیت امت دارد و به دیگران می‌آموزد که چگونه در پیشگاه خدا به توبه، تضرع و انابه بپردازند. به اندک اعمال نیک خود که هرگز سزاوار خداوندی خدا نیست مغرور نشوند و خود را طلبکار نپندارند. بلکه قصور و ناتوانی خود را در به جای آوردن حق بندگی بشناسند. آیا کسی که ناله‌ها و گریه‌های روح اطاعت و بندگی امیر المومنین (علیه السلام) را ببیند و بشنود با خود نمی‌گوید: آن حضرت که یک لحظه‌ی عمرش برتر از عبادت ثقلین است، چنین توبه می‌کند پس من حقیر چگونه بر خود ببالم و از خدا عذرخواهی نکنم؟!

البته این به معنای آن نیست که ادعیه و استغفارهای آنان تنها به صورت تعلیمی صادر شده و خود در توبه و استغفار جدی هستند و مناجات و دعاهای امامان نشان می‌دهد که آن بزرگواران

<sup>۱</sup>. طباطبایی، میزان، ج ۶، ص ۳۰۹.

بیش از هر کس و با همه‌ی وجود خود را در پیشگاه خالق سبحان مقصر می‌دانند و با سوز و ناله به درگاه ایزد عذر تقصیر می‌برند. در عین حال آنان در گفتار و کردار خود الگوی امت و مامور به ارشاد و تعلیم و تزکیه‌ی مردمند. لاجرم با مناجات‌ها، استغفارها و نیایش‌های خویش معارفی بی‌مانند را در میان امت به یادگار نهاده‌اند. از سوی دیگر این شیوه‌ی گفت و گو با خداوند بهترین راه بیان مسیر بندگی و تضرع بوده است. که معصومان به منزله‌ی اسوه‌های حسنه برای بندگان به یادگار نهاده‌اند. چنین شیوه‌ای از بیان سبب ریزش گناهان و بهرمندی از مغفرت و رضوان الهی می‌شود.

## ۱۲- استغفار برای امت

به طور معمول وقتی دانش آموزی در درس و آموزش‌های خود موفق می‌شود. آموزگار او خشنود است و احساس سرافرازی می‌کند. و چون شاگردی تنبلی ورزد و در برنامه‌های خود ناموفق شود معلم نیز احساس شرمساری و ناخوشایندی می‌کند. هرگاه فرزندی به ویژه در خردسالی مرتکب خلافی شود یا ضرری به دیگری وارد سازد پدرش شرمنده می‌شود و درصدد پوزش خواهی یا جبران خسارت برمی‌آید. در بسیاری از روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی (علیه السلام) دو پدر امت اسلامی خوانده شده‌اند. رسول اکرم می‌فرماید: «أنا و علیُّ ابوا هذه الأمة»<sup>۱</sup> حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز می‌فرمایند: «پدران این امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) هستند. کژی‌های ایشان را راست می‌کنند. اگر اطاعتشان کنند از عذاب جاودان می‌رهانندشان و اگر موافقتشان کنند نعمت‌های جاودانی را نصیبشان می‌سازند.»<sup>۲</sup>

بنابراین گناهان امت سبب شرمندگی پدران معنوی می‌شود و آنها را به خود نسبت می‌دهند و از خداوند آمرزش می‌خواهند. استغفار برای امت به تناسب مرتبه‌ی ارتباط و اتصال دیگران به معصومان (علیهم السلام) در دو مرتبه امکان پذیر است:

<sup>۱</sup>. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۹.

<sup>۲</sup>. همان.

الف: طلب مغفرت برای دیگران با لحاظ غیریت و بینونت آنها، بلکه با انتساب اعمال ایشان به خود

ب: طلب مغفرت برای دیگران بدون لحاظ غیریت و بینونت آنها بلکه با انتساب اعمال ایشان به خود. در این صورت ولی خدا به نام خود دعا می‌کند و برای خود پوزش می‌طلبد اما دیگران را منظور دارد و گویی آنها را عین خود می‌داند. در نگاه عرفانی همه‌ی موجودات عالم شئون وجودی انسان کامل‌اند. نسبت انسان کامل به عالم خلقت چونان نسبت روح است به بدن. از همین رو از آن ذوات مقدس و حقایق نورانی تعبیر به قلب عالم و جان جانان می‌شود.

امام خمینی (رحمه الله) بر آن است که حقیقت کمال انسانی یا عین ثابت انسان کامل در کل عالم، ولایت کلیه دارد. این مقام نخست به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و سپس به معصومین که به مدد پیامبر، آن مرتبه را درک کرده‌اند و سپس به هر کس که در راه کمال پیش می‌رود و کامیاب می‌شود تعلق دارد.

## نتیجه گیری:

با مروری بر آنچه گذشت، این نتایج به دست می‌آیند:

۱- با توجه به عدله‌ی عصمت و شخصیت اهل بیت (علیهم السلام) هرگز نمی‌توان آنچه را پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) در دعاها و مناجات‌های خویش از گناه و نقص و کاستی به خود نسبت داده‌اند، حمل بر گناه در اصطلاح فقهی که نامی عصمت است یعنی نافرمانی احکام مولوی الهی، یا ضعف شخصیت اخلاقی و امثال آن کرد. بلکه شان آنان بسیار فراتر از این امور است.

۲- هر یک از موارد دوازدهگانه‌ای که درباره‌ی راز استغفار معصومان بیان شد به تنهایی بر سازگاری توبه و استغفار با عصمت، دست کم در مرتبه‌ی عصمت از گناه بسنده است. در عین حال هیچ مانعی ندارد که همه یا اکثر این موارد در توبه و استغفار معصومان دخیل باشند و هر یک کارکرد خود را داشته باشد. به عبارت دیگر استغفار معصومان ذو وجوه و دارای کارکردهای پر شمار است.

۳- برخی از موارد یاد شده مانند مورد ششم و هشتم نه تنها بر سازگاری بلکه بر تلازم توبه و استغفار با عصمت به ویژه در مراتب بالای عصمت و برای پابندی و ارتقای آن دلالت دارند.

۴- اثبات هیچ یک از موارد یاد شده برای نفی تعاند توبه و استغفار با عصمت لازم نیست بلکه صرف احتمال آنها بسنده است. به عبارت دیگر همین که روشن شود استغفار و توبه منحصرناظر به وقوع گناه نیستند و وجوه خردپذیر دیگری نیز در آن محتمل‌اند روشن می‌شود که این امور با عصمت سازگارند.

## فهرست منابع:

\* قرآن

\* نهج البلاغه، مترجم فولوند

### الف: کتب فارسی

۱. مصباح، محمد تقی، *نجوای عاشقانه با مناجات شعبانیه*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۳.ش.
۲. نائیجی، محمد حسین بن نصیر، *آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز*، ترجمه‌ی عده الداعی، مطبوعات دینی، ۱۳۸۴.ش.

### ب: کتب عربی

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا، *معجم المقاییس اللغه*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.ق.
۲. اربلی، علی بن عیسی، *کشف اللغه*، قم، المجمع العالمی الاهل البیت (علیه السلام)، ۱۴۱۶.ق.
۳. طباطبایی، محمد بن علی بن بابویه، *علل الشرائع*، ترجمه‌ی سید جواد ذهنی تهرانی، قم، مومنین، ۱۳۸۲.ش.
۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، *المصباح المنیر*، قم، رضی، ۱۴۰۵.ق.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹.ق.
۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، قم، دارالفقه للطباعه و النشر، ۱۳۷۹.ش.
۷. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، موسسه آل البیت (علیه السلام) الاحیاء التراث، ۱۳۶۶.ش.